

# قطعنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران درباره تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.  
**منصور حکمت**

۱- جمهوری اسلامی در حال سقوط است و مساله تعیین نظام حکومتی بعدی در برابر جامعه قرار گرفته است.

۲- آلترناتیو حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی تضمین کننده دخالت آزاد، آگاه و مستقیم مردم در حکومت و تامین کننده وسیع‌ترین آزادیها و رفاه و برابری در جامعه خواهد بود.

۳- حزب کمونیست کارگری ایران، همانطور که در قطعنامه‌های کنگره سوم اعلام کرده است، انقلاب توده‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی را عملی‌ترین و کوتاه‌ترین راه رسیدن مردم به حکومت منتخبشان میدانند.

۴- اپوزیسیون راست، برای جایگزینی جمهوری اسلامی شیوه‌هایی نظیر فراندنم و مجلس موسسان را تبلیغ میکند. در این شیوه‌ها، دخالت و اعمال اراده مردم محدود و یا کلاً نفی میشود. هدف این نیروها آنست که از دخالت آزاد و آگاه مردم در تعیین حکومت آتی جلوگیری کنند و به آلترناتیوهای حکومتی خود ظاهر و پوشش دمکراتیک بدهند. راه واقعی بقدرت رسیدن این نیروها کودتا و یا بندوبست از بالاست. در چنین شرایطی نه تنها آزادیهای سیاسی و دخالت مردم در تعیین حکومت نفی میشود بلکه

این احتمال وجود دارد که شیرازه جامعه از هم گسیخته شود. با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری ایران به منظور تامین شرایط لازم برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی اقدامات زیر را در دستور قرار میدهد:

الف- اعلام منشور آزادیهای سیاسی که تامین آن به مردم امکان میدهد آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند. مفاد این بیانیه خواست و انتظار بدیهی توده‌های مردم است، و تعهد هر حزب و دولتی به آن معیار پایبندی به خواست و اراده مردم محسوب میشود. حزب کمونیست کارگری تلاش میکند تا کلیه نیروهای سیاسی را به تعهد به مفاد این بیانیه جلب کند.

ب- اعلام نشست نمایندگان شوراهای مردم بعنوان ذیصلاح‌ترین مرجع برای تعیین نظام حکومتی آتی. شوراها توده‌ای‌ترین شیوه متشکل ماندن مردم و اعمال اراده آنان است. شوراها همچنین دمکراتیک‌ترین ظرف تشکیلاتی برای فعالیت همه احزاب و نیروهای سیاسی است. هیچ قید و شرطی برای فعالیت احزاب و آحاد مردم در شوراها و انتخاب شدن بعنوان نماینده وجود ندارد.

۲۵ آذر ۱۳۸۱ - ۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

## انترناسیونال

# هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

# ۱۳۸

ویژه مصوبات اخیر دفتر سیاسی

یکشنبه ۱ دی ۱۳۸۱

۲۲ دسامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## فراخوان به همه احزاب اپوزیسیون

جمهوری اسلامی در آستانه سرنگونی است. تضمین حق مردم در تعیین حکومت آینده ایران مستلزم برسمیت شناسی و تعهد به پایه‌ای‌ترین آزادی‌های سیاسی است. به این منظور حزب کمونیست کارگری ایران کارگری ایران منشور آزادی‌های سیاسی و

تعهد خود را به تحقق آن اعلام میکند و همه احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون را به تعهد به این منشور فراخواند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ آذر ۱۳۸۱ - ۱۶ دسامبر ۲۰۰۲

## منشور آزادیهای سیاسی

به منظور تامین شرایطی که فعالیت آزاد و امن سیاسی در جامعه ممکن شود و مردم بتوانند آزادانه و آگاهانه حکومت مطلوب خود را تعیین کنند جمهوری اسلامی باید سرنگون شده و مفاد این منشور متحقق گردد:

- ۱- جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.
- ۲- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.
- ۳- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.
- ۴- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.
- ۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی.
- ۶- لغو مجازات اعدام.
- ۷- دسترسی همگانی بویژه احزاب و تشکله‌ها به رسانه های جمعی دولتی.

### پیام کورش مدرسی

به مردم ایران

صفحه ۳

### مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

### مصاحبه با کورش مدرسی

صفحه ۴

### اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## مردم باید انتخاب کنند

مصاحبه با حمید تقوایی  
درباره مصوبات اخیر دفتر سیاسی

**هفتگی:** ضرورت تصویب قطعنامه در مورد تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران چه بوده است؟ این قطعنامه اساسا به چه مساله ای پاسخ میدهد؟

**حمید تقوایی:** قطعنامه در بند اول اعلام میکند که جمهوری اسلامی در حال سرنگونی است و مساله تعیین نظام بعدی در برابر جامعه قرار گرفته است. همین واقعیت ضرورت صدور قطعنامه را ایجاد کرده است.

اینکه جمهوری اسلامی در آستانه سقوط است امروز در صحنه سیاست ایران به یک بدبخت تبدیل شده.

جمهوری اسلامی منتهاست که با یک بحران مزمن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی روبروست و در ادبیات و مصوبات متعدد حزبی از جمله قطعنامه های کنگره سوم این واقعیت بارها توضیح داده شده و مورد تاکید قرار گرفته است. آنچه

امروز در صحنه سیاست ایران شاهدیم آنست که داریم به پایان این بحران مزمن به تنها شکل ممکنش، یعنی سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی، سریعاً نزدیک میشویم. امروز دیگر همه دارند از سرنگونی رژیم صحبت میکنند. از نیروهای مختلف اپوزیسیون گرفته تا حتی خود مقامات جمهوری اسلامی از هر دو جناح. شعارهای چپ و رادیکال و مشخصاً شعار سرنگونی رژیم در اعتراضات و تظاهرات خیابانی عمومیت پیدا کرده است، و اینکه این رژیم اصلاح پذیر نیست و باید برود به درک عامه مردم تبدیل شده است. رژیم دیگر مانند گذشته قادر به مقابله با مردم نیست. خط دو خرداد و تز تحولات تاریخی کاملاً بی اعتبار شده و کاربرد خود را هم برای مردم، که زمانی از سر امکان گرایی و مقابله با جناح راست به آن متوسل میشدند، و هم در نتیجه برای کل رژیم، از دست داده است. مقامات رژیم بیش از پیش به این واقعیت پی میبرند، و بدنبال جنبش اخیر دانشجویان بزبانهای مختلف اذعان کرده اند، که سیاست سرکوب و ارباب میتواند "عواقب غیر قابل کنترل" و خطری را برای نظام در بر داشته باشد. همه این واقعیات حاکی از آنست که شمارش معکوس آغاز شده و جمهوری اسلامی به روزهای آخر عمرش نزدیک میشود.

در این شرایط طبعاً نظامی که باید جانشین جمهوری اسلامی شود همه اذهان را بخود معطوف میکند. هم از این نظر که چه نظامی باید

بجای جمهوری اسلامی بیاید و هم اینکه این نظام چگونه باید تعیین شود. مساله مورد بحث قطعنامه شیوه تعیین این نظام است. **هفتگی:** اجازه بدهید قبل از بحث بیشتر در مورد شیوه تعیین نظام آتی مقدمتاً این سنوال را مطرح کنم که مگر از هر دو نظر مورد اشاره شما، یعنی هم نوع و هم شیوه تعیین نظامی که باید بجای جمهوری اسلامی بنشیند سیاستها و برنامه حزب روشن نیست؟ قطعنامه چه حرف تازه و متفاوتی میزند؟

**حمید تقوایی:** درست است، حزب سیاست و برنامه روشن و اعلام شده ای دارد. ما خواهان برقراری جمهوری سوسیالیستی از طریق انقلاب و بقدرت توده مردم هستیم. مضمون نظام مطلوب ما نیز مشروحاً در برنامه یک دنیای بهتر توضیح داده شده. بطور مشخص تر در مورد بحران جمهوری اسلامی و دو آلترناتیو چپ و راست آن نیز قطعنامه های کنگره سوم مواضع و سیاست حزب را روشن کرده است. قطعنامه کنونی در ادامه و متن این سیاستها مشخصاً به مساله شیوه تعیین نظام میپردازد. کار قطعنامه ها اصولاً معنای سیاسی مشخص دادن به برنامه ها و سیاستهای عمومی در شرایط مشخص است و قطعنامه فعلی هم همین کار را میکند. مساله مورد بحث قطعنامه، همانطور که از نام آنها پیداست، شیوه تعیین نظام حکومتی آینده است. مساله بر سر حق مردم و تضمین دخالت مستقیم و اعمال رای و اراده مردم در تعیین نظام آتی است. قطعنامه در بند دوم و سوم تاکید میکند که ما خواهان برقراری جمهوری سوسیالیستی بقدرت انقلاب توده ای مردم هستیم و این دخالت مستقیم و آزاد و آگاهانه مردم را در حکومت تضمین میکنیم. انقلابی که به سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی منجر شود نه تنها بارز ترین تجلی رای و اراده آزاد و آگاه مردم در تعیین نوع حکومت است، بلکه فراتر از آن تضمین کننده اعمال نظر و اراده مستقیم و مستمر مردم در خود حکومت نیز هست. اینها هیچیک نکات جدیدی نیست و اگر هدف فقط تاکید بر این نکات بود شاید صدور قطعنامه موضوعیتی نداشت. مساله آنست که در صحنه سیاست ایران تنها آلترناتیو حزب ما مطرح نیست. نیروهای راست نیز آلترناتیوهای خود را برای جامعه مطرح میکنند. این نیروها مدعی اند که به رای مردم احترام میگذارند و

حکومت مورد نظر آنها به رای مردم متکی است. میگویند مردم باید حکومت آتی را انتخاب کنند و مدعی اند که تابع رای مردم خواهند بود. رفرانوم و مجلس موسسان را مطرح میکنند و از حکومت مردمسالار دم میزنند. قطعنامه این ادعا را نقد میکند و منشور آزادیهای سیاسی آنها را به بوته آزمایش میگذارد.

بند چهارم مشخصاً سه نکته را در مورد اپوزیسیون راست بیان میکند: اول اینکه شیوه هائی نظیر رفرانوم که این نیروها تبلیغ میکنند دخالت مردم در تعیین حکومت را محدود و یا نفی میکند، دوم اینکه هدف این نیروها نیز از طرح چنین شیوه هائی ممانعت از اعمال اراده آزاد و آگاه مردم است و سوم اینکه راه واقعی بقدرت رسیدن این نیروها مستقل از تبلیغاتی که میکنند و یا هر نیتی که ممکن است داشته باشند چیزی بجز کودتا و یا بند و بست از بالا نیست.

ما در مقابل این آلترناتیوها و در برابر جامعه شاخص ها و معیارهائی را قرار میدهم که بطور واقعی و عملاً رای و اراده مردم را بحساب میآورد و تضمین میکند. اگر کسی لفظاً قبول میکند که مردم باید انتخاب کنند آنوقت ناگزیر باید به آزادیهای سیاسی و حقوق معینی که این انتخاب را برای مردم ممکن میکند گردن بگذارد. نمیشود از مردم و رای مردم دم زد و به آزادیهای سیاسی پایبند نبود.

**هفتگی:** چرا رفرانوم شیوه مناسبی برای تعیین نظام نیست؟ مگر در رفرانوم رای همه مردم بحساب نمیآید؟

**حمید تقوایی:** ما با رفرانوم مخالفت اصولی ای نداریم. شرایطی وجود دارد که توسل به رفرانوم شیوه مناسبی برای اعمال نظر مردم در مورد یک مساله سیاسی است. بعنوان نمونه برنامه حزب توسل به رفرانوم را برای حل مساله ملی در کردستان مجاز میدانم و برسمیت میشناسم. ما با رفرانوم آنطور که امروز از جانب اپوزیسیون راست مطرح میشود مخالفیم. رفرانوم نمیتواند شیوه ای برای کناری و جایگزینی یک حکومت باشد. حتی در دموکراسی های غربی هم نمیتوان حکومتها را با همه پرسى جابجا کرد، چه برسد به جمهوری اسلامی که هیچ نوع انتخاباتی در آن اصولاً معنی ندارد. حتی تصور این که بتوان جمهوری اسلامی را با رفرانوم برکنار کرد مضحک است. اپوزیسیون راست خود نیز میدانند که با صندوق رای نمیشود جمهوری اسلامی را برکنار کرد. اگر با این وجود به شعار رفرانوم چسبیده است به این خاطر است که نمیشود

جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم سرنگون شود. اپوزیسیون راست بیش از آنکه مخالف جمهوری اسلامی باشد با انقلاب مخالف است. انقلاب شانس چندانی برای اعاده حکومتی که یکبار بقدرت انقلاب مردم از تخت افتاده است باقی نمیگذارد. از اینرو صندوق رای بعنوان آلترناتیو انقلاب مطرح میشود تا راه را بر جایگزینی جمهوری اسلامی با حداکثر دخالت مردم و لذا تغییرات بنیادی و رادیکال در نظام سیاسی و اقتصادی موجود ببندد. حتی اگر فرض کنیم که جمهوری اسلامی به رفرانوم در یک شرایط آزاد انتخاباتی تن میداد باز هم این نیروها بقدرت نمیرسیدند.

مردم در هیچ نظر پرسی آزادی راست را انتخاب نخواهند کرد. اینها به تحولات بالا چشم دوخته اند و بطور واقعی تنها با کودتا و یا بند و بست از بالا میتوانند بقدرت برسند.

ما امروز شاهد آنیم که نه تنها سلطنت طلبان بلکه دو خردادی ها نیز از رفرانوم صحبت میکنند. اینها البته شعار رفرانوم را بعنوان تهدیدی در مقابل جناح رقیبشان در حکومت مطرح میکنند، اما با این وجود وجه مشترکشان با اپوزیسیون راست خارج از حکومت هراس از انقلاب و تلاش برای حفظ ارکان نظم موجود است. به هر رو برای همه این نیروها رفرانوم به معنای آلترناتیوی در برابر انقلاب و اعمال اراده مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران مطرح میشود. در شرایط سیاسی امروز ایران شعار رفرانوم شکل وجیه المله و "دموکراتیک" بازداشتن مردم از انقلاب است.

**هفتگی:** اشاره کردید که حتی در صورت انجام رفرانوم اپوزیسیون راست بقدرت نمیرسد. ممکن است کمی بیشتر در این باره توضیح بدهید؟ آیا مقصودتان اینست که چپ و مشخصاً حزب کمونیست کارگری در شرایط یک انتخابات آزاد شانس بقدرت رسیدن خواهد داشت؟

**حمید تقوایی:** بله مقصودم دقیقاً همین است. این نکته ایست که منصور حکمت در سخنرانی "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" بروشی توضیح داده است. ما معتقدیم که در صورتی که یک انتخابات آزاد و با فرصت کافی برای آنکه هر حزب و نیروی سیاستهایش را تبلیغ کند در ایران برگزار شود مردم ما را انتخاب خواهند کرد. ما به شهادت برنامه و سیاستها و پراتیک مبارزاتیمان خواست و آرمانهای اکثریت عظیم جامعه، کارگران، زنان و جوانان را نمایندگی میکنیم و کانیست این حقیقت بر مردم روشن شود تا ما را انتخاب کنند. کانیست ترس و امکان گرایی و مصلحت جوئی از محاسبات مردم کنار برود تا به چه پی روی بیاورند. در یک شرایط امن و آزاد

نه تنها در رفرانوم بلکه در هر نوع انتخاباتی که ممکن است در رابطه با دولت و یا نظام حکومتی در ایران انجام شود، اکثریت مردم ما را انتخاب خواهند کرد.

البته احتمال پیش آمدن چنین شرایطی بسیار کم است و راه عملی تر و واقعی تر شکل گیری یک انقلاب توده ایست، اما به هر رو در یک انتخابات آزاد نیز ما بقدرت خواهیم رسید. بقول منصور حکمت انقلاب و انتخابات هر دو ما را بقدرت میرساند و کودتا اپوزیسیون راست را.

**هفتگی:** آیا نشست نمایندگان شوراهای مردم که بعنوان ذیصلاح ترین مرجع برای تعیین نظام حکومتی در قطعنامه مطرح میشود آلترناتیو شعار رفرانوم است؟ آیا در صورت برکناری جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم هنوز هم نمایندگان شوراهای مردم ذیصلاح تعیین نظام آتی میداند؟

**حمید تقوایی:** نشست نمایندگان شوراهای آلترناتیو شعار رفرانوم نیست و در قطعنامه هم به این عنوان مطرح نشده است. شوراهای جایگاه پایه ای در استراتژی و برنامه حزب دارند. در برنامه حزب از شوراهای مردم هم بعنوان ارگانهای قیام و هم ارکان حکومت کارگری نام برده شده است. جمهوری سوسیالیستی جمهوری شورائی است. هرکس با ادبیات حزب آشنا باشد میدانند که شورا اصولاً نقد نظری و عملی ما به دموکراسی است. حتی در لیبرال ترین دموکراسی های پارلمانی نیز رای و نظر مردم محدود و نفی میشود و بخصوص اعمال اراده آنان در مقدرات خود، بجز اناختن رای در صندوق هر چند سال یکبار، هیچ جایگاهی ندارد. در مقابل، سیستم شورائی به رای مستقیم و مستمر مردم متشکل مبتنی است. مستقیم است چون خود مردم، و نه نمایندگانشان، در مورد مسائل مورد نظرشان بحث و تصمیم گیری میکنند.

هر جا هم که لازم به تعیین نماینده باشد، حیطه وظایف و حدود اختیارات نمایندگان مشخص است و هر زمان شورا تصمیم بگیرد میتواند آنانرا عزل کند. مستمر است چون برخلاف دموکراسی پارلمانی که مردم هر چهار پنجسال یکبار رای میدهند و تا انتخابات بعدی رای و نظرشان به هیچ گرفته میشود، در سیستم شورائی رای مردم هر روزه اعمال میشود. و بالاخره شورا، برخلاف دموکراسی پارلمانی که رای آحاد افراد را میپرسد، به رای مردم متشکل مبتنی است. شورا امکان میدهد که مردم در کنار یکدیگر و بعد از بحث و تبادل نظر با یکدیگر در مورد مسائل مختلف رای بدهند و بنابراین با اشراف و آگاهی بیشتری تصمیم



بگیرند. باین دلایل است که حتی لیبرالترین دموکراسی های پارلمانی از نظر بحساب آوردن مردم و رای و نظر آنها اصولا قابل مقایسه با شوراها نیست.

به این ترتیب روشن است که چرا ما نشست نمایندگان شوراها را ذیصلاح ترین ارگان برای تعیین نظام آتی میدانیم. بحث فقط بر سر شعار رفتارنوم نیست، هر نوع شیوه ای برای تعیین نوع حکومت در چارچوب دموکراسی پارلمانی نمیتواند باندازه شوراها به رای آزاد و آگاه و مستقیم مردم متکی باشد. شوراها به همه احزاب امکان میدهد که سیاستها و اهدافشان را بمیان مردم ببرند، آلترناتیوهای حکومتی خود را مطرح کنند، و طبعاً در صورتی که در هر شورائی نظر اکثریت را جلب کردند بعنوان نماینده آن شورا انتخاب شوند و در تعیین نظام آتی مستقیماً دخالت کنند.

در مورد بخش دوم سؤال یعنی نقش شوراها در تعیین نظام حکومتی در صورتیکه انقلاب در ایران رخ بدهد، باید بگویم که شوراها در این حالت نیز ذیصلاح ترین ارگان تعیین نظام هستند. البته باید توجه داشت که در صورت سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت یک انقلاب توده ای هر نظامی که بجای جمهوری اسلامی بنشیند در درجه اول مشروعیت خود را از انقلاب میگیرد. در بند سوم قطعنامه نیز به این نکته تاکید شده که انقلاب کوتاه ترین و عملی ترین راه رسیدن مردم به حکومت منتخبان است. در صورتی که انقلاب به رهبری آلترناتیو چپ صورت بگیرد، که با احتمال زیاد چنین خواهد بود، و در نیمه راه متوقف نشود و تا پیروزی کامل به پیش برود آنوقت حزب ما این قدرت را خواهد داشت که شوراها را وسیعاً تشکیل بدهد. اگر در پروسه انقلاب خود تشکیل نشده باشند و جمهوری سوسیالیستی را به اتکای رای شوراها اعلام کند. در این صورت رای مردم نه تنها در تعیین نوع نظام حکومتی، بلکه در خود نظام حکومت نیز تضمین شده است.

**هفتگی:** حکومت کارگری همانطور اشاره کردید یک حکومت شورائی است، چه تفاوتی میان این شوراها و شوراها مطرح شده در قطعنامه وجود دارد؟

**حمید توائی:** از نظر شکل تشکیلاتی و نحوه دخالت و تصمیم گیری اعضای شورا تفاوتی بین این دو نوع شورا وجود ندارد. تفاوت در مضمون کار و صورت مساله مورد بحث و تصمیم گیری است. شوراها در حاکمیت در مورد مسائل مختلف سیاسی و اجرائی تصمیم میگیرند و تصمیماتشان را خود اجرا میکنند. در حالیکه

شوراها مورد بحث در قطعنامه مشخصاً وظیفه تعیین نظام حکومتی را بعهد دارند. همانطور که در پاسخ به سوال قبل توضیح دادم در صورتیکه این شوراها در پروسه و یا بدنبال یک انقلاب توده ای و چپ تشکیل شده باشند آنگاه طبعاً اکثریت وسیعی از نمایندگان شوراها به آلترناتیو چپ یعنی جمهوری سوسیالیستی که خود یک نظام شورائی است رای خواهند داد. بعبارت دیگر موقعیت خود را بعنوان ارگانهای حکومتی تثبیت خواهند کرد. این امکان نیز - هر چند ضعیف - وجود دارد که شوراها با سرنگونی جمهوری اسلامی به شیوه های غیر انقلابی تشکیل شوند و یا، با احتمال بیشتر، در یک حالت بینابینی، حالتی که نه انقلاب بفرجام رسیده و نه در عین حال ضد انقلاب توانسته آنرا کاملاً در هم بکوبد، شکل بگیرند. در این شرایط اگر احزاب راست در شوراها دست بالا را داشته باشند این امکان وجود دارد که شوراها به آلترناتیوهای حکومتی دیگری بجز حکومت شورائی رای بدهند. در هر صورت هر سناریویی که اتفاق بیافتد حزب ما خواهان تشکیل شوراها و برسمیت شناسی آنها بعنوان ارگانهای تعیین نوع حکومت است.

**هفتگی:** در این میان منشور آزادیهای سیاسی چه نقشی دارد؟ آیا تحقق مفاد این منشور پیش شرط تشکیل شوراهاست؟

**حمید توائی:** منشور آزادیهای سیاسی پیش شرطهای وضعیتی را که فعالیت آزادانه سیاسی در جامعه ممکن باشد اعلام میکند. بدون تحقق مفاد این منشور مردم نمیتوانند حتی در مورد کوچکترین مسایل مربوط به زندگی سیاسی و اجتماعیشان آزادانه نظر بدهند و تصمیم گیری کنند. در مورد مساله اساسی ای نظیر تعیین نظام حکومتی نیز بطریق اولی این امر صادق است. مستقل از شوراها و وجود و یا عدم وجود آنها و در هر شکل و شرایطی که خواهیم به رای مردم رجوع کنیم باید آزادیهای سیاسی اعلام شده در منشور تامین شده باشند تا مردم بتوانند در یک شرایط آزاد و با احساس امنیت کامل به نظام مطلوبشان رای بدهند. این نکته را هم باید در اینجا تاکید کنم که منظور از تامین این آزادیها لزوماً برسمیت شناسی قانونی آنها نیست بلکه تحقق عملی و دوفاکتوری آنهاست و با احتمال زیاد نیز این حالت پیش خواهد آمد. یعنی شرایطی که تعرض و مبارزات مردم بندهای اختناق را سست کند و یک فضای باز سیاسی شبیه آنچه در انقلاب ۵۷ شاهد بودیم، بوجود بیاید. در هر صورت تنها

تامین عملی مفاد این بیانیه است که به مردم امکان دخالت در سرنوشتشان را به وسیعترین و آزادانه ترین شیوه خواهد داد.

تشکیل شوراها و دخالت آنان در تعیین نظام حکومتی نیز در غیاب آزادیهای سیاسی طرح شده در منشور قابل تصور نیست. شوراها ممکنست در حین انقلاب و از پائین شکل بگیرند اما شرایطی که بتوانند با سیاستهای احزاب و آلترناتیوهای آنان آشنا شوند، در مورد آن بحث و تصمیم گیری کنند و نمایندگان منتخبشان را به نشست شوراها بغرستند تماماً در گرو تامین آزادیهای سیاسی اعلام شده در منشور است. مفاد منشور پیش شرط فعالیت آزادانه احزاب نیز هست. همانطور که در مقدمه منشور آمده ما همه احزاب اپوزیسیون را به تعهد به مفاد آن فرامیخوانیم. مفاد این منشور محک و معیار شعارهای کلی است که اغلب نیروهای اپوزیسیون در طرفداری از مردم و خواست و نظر آنها عنوان میکنند. هر نیروی سیاسی که خود را طرفدار مردم میدانند و برای نظر آنان احترام قائل است قاعدتاً نباید با این منشور مشکلی داشته باشد.

**هفتگی:** چرا احزاب دیگر را به تعهد به شوراها فرانخوانده اید؟ آیا تعهد احزاب به منشور آزادیهای سیاسی به معنای آنست که حق مردم در تعیین حکومت را برسمیت میشناسند؟

**حمید توائی:** مفاد منشور، آزادیهای اساسی که همه نیروهای مدعی دموکراسی لاقدر در حرف نمیتوانند صریحاً در مقابل آن مخالفت کنند و بنابراین میشود انتظار داشت که آنرا بپذیرند، اما در مورد شوراها چنین نیست. شوراها آلترناتیو چپ در برابر دموکراسی پارلمانی است و ما توقع نداریم که احزاب دیگر به آن متعهد شوند. نیازی به این اعلام تعهد نیز وجود ندارد. منشور آزادیهای سیاسی در واقع شرایطی را تامین میکند که شوراها بتوانند سریعاً و وسیعاً در آن رشد کنند به نحوی که هیچ حزب و نیروی عملاً نتواند نظر و اعمال اراده آنان را نادیده بگیرد و بحساب بیاورد. تلاش و مبارزه برای تشکیل شوراها کار حزب ماست. اگر شوراها وجود داشته باشند، آنوقت تعهد احزاب به منشور آزادیها عملاً به معنای آن است که به نظر و رای نمایندگان شوراها نیز پایبند خواهند بود، و گرچه خود ممکن است راههای دیگری را برای تعیین حکومت داشته باشند و تبلیغ کنند.

حزب ما در هر شرایطی تحقق مفاد منشور را، با یا بدون شوراها، یک گام اساسی در جهت احترام و تعهد به رای و اراده مردم میدانند، و تمام تلاش خود را بکار خواهد برد تا هر حزب و نیروی مدعی دموکراسی و آزادی نیز به آن متعهد شود. ■

## حق مردم در تعیین نظام آتی حکومتی ایران باید ضمانت شود!

احزاب سیاسی ایستاده است و نماینده دفاع بی گذشت از همه آرمانهای انسانی مردم ایران بوده است. چه در دوره دو خرداد بازی اینها و چه امروز که همان فلسفه و همان روش را به شیوههای دیگری در پیش گرفتند.

### مردم آزاده!

سقوط جمهوری اسلامی نزدیک است. باید قدم آخر در سرنگونی جمهوری اسلامی را با چشم باز برداشت. باید هوشیار بود. نباید اجازه داد هیچ حزب سیاسی، هیچ دولتی و هیچ کسی بتواند در این قدم آخر سر مردم را شیره بمالد و پرده دیگری از نمایش دو خرداد را تحت عنوان رفتارندم یا مجلس موسسان به صحنه بیاورد. باید خیلی روشن خواست که همه نیروهای سیاسی قبل از هرچیز حقوق حاشا ناپذیر مردم، که زیر پا گذاشتن آنها جرم است، را بپذیرند. باید نشان داد که مردم حقشان را میشناسند و به کمتر از آن رضایت نمیدهند. باید نشان داد که تحمیل یک رژیم دیگر در هر پوشش پر زرق و برقی قابل قبول نیست. باید نشان داد نمیتوانند مردم و فهمشان را دست کم بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران منشور آزادیهای سیاسی را درست با همین هدف منتشر کرده است. پایبندی به این منشور حق همه مردم در انتخاب نظام آتی را تضمین میکند و اجازه نخواهد داد که هیچکس بتواند از بالای سر مردم چیزی را به آنها تحمیل کند. ما همه شما مردم آزاده را فرا میخوانیم تا این منشور را به محک پایبندی همه نیروهای سیاسی به اراده مردم تبدیل کنید. به همگان باید نشان دهید که به هیچ بهانه و در هیچ پوششی زیر پا گذاشتن یا عدم تعهد به این منشور را نخواهید پذیرفت. حزب کمونیست کارگری ایران همه شما مردم آزاده را به حمایت از مفاد این منشور فرا میخواند. میتوان بعد از جمهوری اسلامی تضمین کرد. آزادی، برابری، رفاه، زندگی شاد و خوشبختی را میتوان و باید ضمانت کرد.

### کوروش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ آذر ۱۳۸۱ (۱۸ دسامبر ۲۰۰۲)

## آگاهی مردم و حضورشان در میدان تعیین کننده است

مصاحبه با کورش مدرسی درباره مصوبات اخیر دفتر سیاسی

**هفتگی:** در پیام شما به مردم ایران اشاره میشود که با رفتن حکومت اسلام هنوز آزادی، رفاه، برابری و خوشبختی تضمین شده نیست. آیا این نکته مورد نظر شما در هر شرایطی صادق است؟

موثر مردم در تعیین نظام آتی است. این منشور به مردم امکان میدهد تا دوستان واقعی خود را تشخیص دهند.

**هفتگی:** تاکید اساسی قطعنامه و بیانیه "منشور آزادیهای سیاسی" و پیام شما مربوط به تضمین حق مردم برای انتخاب آزادانه حکومت بعد از جمهوری اسلامی است. عنصر اصلی این تضمین حق مردم چیست؟

**کورش مدرسی:** روشنبینی مردم و حضور آنها در صحنه سیاست ضامن اصلی تحقق بندهای منشور است. زیر پا گذاشتن حق مردم، وقتی که مردم این حق را بشناسند، از جانب هر کس، از جمله احزاب سیاسی، بسیار مشکل خواهد بود. در نتیجه آگاهی مردم و حضورشان در میدان تعیین کننده است. اما در همان حال احزاب سیاسی خود نقش مهمی در شکل دادن به افکار مردم دارند.

نتیجتا جلب احزاب سیاسی به چنین منشوری خود اهرم مهمی در تبدیل آن به مطالبه عمومی و پایای مردم است. میتواند فضای سیاسی جامعه بخصوص بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی را امن و آزاد نگاه دارد.

**هفتگی:** صرف تعهد امروز احزاب سیاسی به مفاد "منشور آزادیهای سیاسی" چه تفضیلی دارد و چقدر امیدوار کننده است؟ اگر در فردای بعد از جمهوری اسلامی به آن تعهد عمل نکردند تکلیف چیست؟

**کورش مدرسی:** همانطور که در سوال قبیل اشاره کردم جلب احزاب سیاسی به تعهد به چنین منشوری مبنای محکمی را در جامعه شکل میدهد که به حفظ یک فضای سالم سیاسی کمک میکند. وجود چنین منشوری سطحی از توقع را در جامعه شکل میدهد که زیر پا

گذاشتن آن برای هیچ حزبی ساده نخواهد بود. در هر حال حزب کمونیست کارگری در کنار تلاش برای جلب احزاب سیاسی دیگر به این منشور، خود راسا تلاش میکند تا تحقق بندهای منشور آزادیهای سیاسی را به خواست همه مردم تبدیل کند.

**هفتگی:** درباره شعار مجلس موسسان و فرزندم که شعار اکثر احزاب سیاسی برای انتخاب حکومت آینده ایران است لازم است توضیح بیشتری بدهید. ادعا اینست که نمایندگان احزاب به نمایندگی از مردم از این طرق حکومت مورد نظر مردم را برقرار میکنند، بنظر شما اشکال کجاست؟

**کورش مدرسی:** باید به این بحث مفصل پرداخت که در اینجا فرصت آن نیست. در شمارهای آینده هفتگی رفقای دیگری مشروحا در این باره اظهار نظر خواهند کرد. اینجا من فقط تیتروار به بحث فرزندم اشاره خواهم کرد. ببینید، بحث فرزندم در دو سطح دارد مطرح میشود. از یک طرف فرزندم بعنوان یک تاکتیک مبارزاتی در مقابل جمهوری اسلامی مطرح میشود و از طرف دیگر به عنوان مکانیسمی برای تعیین نظام آتی کشور. در شق اول قرار است جمهوری اسلامی با فرزندم کنار زده شود. این توهم محض است. پراکندن چنین توهمی پرده دوم دو خرداد است. نه جمهوری اسلامی با فرزندم کنار میروند و نه فرزندمی که جمهوری اسلامی احيانا به آن تن بدهد آزاد خواهد بود. فرزندم بدون وجود آزادی بیقید و شرط بیان، عقیده، تشکل و غیره، بدون برابری حقوقی زن و مرد، در سایه قوانین جمهوری اسلامی جز یک فریب چیز دیگری نیست. کسی که دارد از فرزندم به عنوان تاکتیک

در مقابل جمهوری اسلامی حرف میزند دارد از موضع دو خردادی رادیکال شده جناح راست را میترساند. همین فرزندم در این متن یک تاکتیک دو خردادی است. اما بخشی از اپوزیسیون، بویژه اپوزیسیون راست، فرزندم را دارد بعنوان مکانیسمی مطرح میکند که قرار است مردم از طریق آن نظام آینده کشور را تعیین کنند. این کپی دوم "جمهوری اسلامی آری یا نه" سال ۵۸ است. چه کسی سوال این فرزندم را تعیین میکند؟ یک نظام حکومتی را چگونه میتوان در یک سوال خلاصه کرد؟ اگر مثلا سوال جمهوری باشد معلوم است معنای آن چیست؟ فرزندم در این متن یک سناریو سرهم بندی شده ای است که مردم را خیلی سریع پای یک صنوق رای بکشاند و با به رای گذاشتن یک سوال نامفهوم تکلیف نظام آتی را روشن کند و مردم را به خانه بفرستد. این کل داستان فرزندم است.

**هفتگی:** در حال حاضر احزاب سیاسی، از سلطنت طلبان و جمهوریخواهان تا مجاهد و دیگر گروههای دیگر، هر کدام جداگانه پلانفرم و طرح خودشان را برای تعیین حکومت آینده مطرح کردهاند که در طرح آنها خبری از مفاد "منشور آزادیهای سیاسی" نیست. آیا امکان پابندی چنین جریاناتی به این منشور ممکن است؟ چگونه؟

**کورش مدرسی:** در این مورد هم من مختصر اشاره میکنم و رفقای دیگر به تفصیل در شمارهای آینده در این باره صحبت خواهند کرد. هرکدام از این جریاناتی که به آنها اشاره کردید مطابق مصلحت خود شکلی را در مقابل مردم قرار میدهند و میخواهند بدون اینکه به مردم امکان دخالت واقعی بدهند به آلتزاتیو خودشان رنگ دمکراتیک یا بقول

خودشان مردم سالار بزنند. این طرحها درباره حق مردم نیستند. بلکه درباره نحوه به قلمت رسیدن خودشان است. قضاوت در باره اینکه با این جریانات میتوان در مورد حقوق مردم به توافق رسید را باید به آینده موکل کرد. حزب کمونیست کارگری تمام همه احزاب سیاسی را به این منشور جلب کند. مشروح اقدامات حزب در این رابطه را بعدا به تفصیل مطرح خواهیم کرد.

**هفتگی:** در مبارزه علیه جمهوری اسلامی جنبشهای اجتماعی مختلفی حضور دارند که منافعشان در مقابل هم قرار میگیرد. از این نظر جایگاه منشور آزادیهای سیاسی را در متن این مبارزه و تقابل جنبشها چگونه توضیح میدهید؟

**کورش مدرسی:** قطعا همین طور است که میگوئید. احزاب مختلف برنامههای سیاسی مختلفی دارند. اگر دیگران ابهامی در این زمینه گذاشتند، حزب کمونیست کارگری ایران نه تخفیفی در این رابطه داده است و نه ابهامی باقی گذاشته است. ما اعلام کردیم که بنبنال آئیم که جمهوری سوسیالیستی را در ایران برقرار کنیم. جمهوری سوسیالیستی متضمن وسیعتری آزادیها و رفاه و برابری است. استقرار نظام سوسیالیستی بدون دخالت مستقیم مردم در حکومت ممکن نیست. در نتیجه هرچه ابعاد آزادیهای سیاسی وسیعتر باشد، هرچه مردم وسیعتر در میدان باشند و متشکلاتر باشند به نفع ماست. جنبش کمونیسم کارگری در چنین شرایطی وسیعترین رشد را میکند. اگر جنبشهای دیگر منفعتشان در تناقض با آزادی و برابری مردم است، که ما معتقدیم چنین است، مردم آنها را در این میدان زنده تجربه خواهند کرد. برای ما دفاع از منشور آزادیهای سیاسی جزئی از مبارزه برای آزادی و تضمین حقوق مردم است. جزئی از تلاش ما برای آنست که تعیین حکومت آتی توسط مردم در شرایط امن و آزاد انجام شود. ■

### رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز  
۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران  
radio7520@yahoo.com  
Tel: 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0046 8 659 0755

### برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی  
از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"  
سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب بوقت تهران

### مرگ بر جمهوری اسلامی!

### زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دفتر سیاسی در این جلسه هیات دائم دفتر سیاسی را بشرح زیر انتخاب کرد: رحمان حسینزاده، فاتح شیخالاسلامی، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، حسین مردابیگی (حمسور) و آذر مدرسی. علاوه دفتر سیاسی کورش مدرسی را به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی، که در عین حال ریاست هیات دائم دفتر سیاسی را نیز برعهده دارد، انتخاب کرد.

دفتر سیاسی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۶ آذر ۱۳۸۱)

### اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران

همچنین تاریخ پلنوم کمیته مرکزی مورد بحث قرار گرفتند. در بحث اوضاع سیاسی ایران، دفتر سیاسی بعد از بحث تفصیلی در مورد اسناد پیشنهادی کمیسیون دو سند قطعنامه در باره تضمین حق مردم در تعیین نظام حکومتی آینده ایران و "منشور آزادیهای سیاسی" را به تصویب رساند.

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی در تاریخ ۱۶ و ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۵ و ۲۶ آذرماه ۱۳۸۱) تشکیل شد. در این جلسه اسناد تهیه شده توسط کمیسیون منتخب اجلاس گذشته دفتر سیاسی در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و